

عنوان مقاله:

نوستالژی اجتماعی در شعر فریدون مشیری

محل انتشار:

فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، دوره 12، شماره 6 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

مهدی ستودیان - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی پردیس شهید بهشتی دانشگاه فرهنگیان خراسان رضوی

مسلم رجبی - دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری

خلاصه مقاله:

یکی از اصطلاحات روانشناسی که وارد حوزه ادبیات شده «نوستالژی» است. نوستالژی با این که تقریباً به تازگی در عرصه های هنر و علوم مختلف خودنمایی می کند اما به هیچ وجه، نوظهور و نوپا نیست. به طور کلی آدمی هیچ گاه از وضع موجود و احوال زمانه خویش راضی نبوده است و هر کس به نوعی با این دلتنگی ها، روزگاری قرین بوده است. نوستالژی انواعی دارد که یکی از آن ها نوستالژی اجتماعی است. این نوستالژی در حوزه ادبیات، نظر بسیاری از شعرا و ادبا و منتقدان را به خود جلب کرده است. یکی از شعرای توانمند معاصر که می توان اشعارش را از دیدگاه این نوع نوستالژی مورد بررسی قرار داد، فریدون مشیری است. به راستی که اشعار فریدون مشیری آینه تمام نمای جامعه و روزگار شاعر است. این پژوهش با هدف تبیین مولفه های نوستالژی اجتماعی و با بررسی و کندوکاو در اشعار فریدون مشیری، صورت گرفته است تا در پایان بتوان درک و تصویر درستی از روزگار شاعر و جامعه آن زمان داشت.

کلمات کلیدی:

نوستالژی اجتماعی، فریدون مشیری، چهل، فریب، ریاکاری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1346205>

